

نویسنده: روبرت استرنبرگ
ترجمه: سعید قریشی

اخلاق

از نظر تا عمل

اشاره

یکی از نقاط ضعف بسیاری از انسان‌ها این است که نمی‌توانند به آنچه می‌دانند عمل کنند. در هنگام نظر دادن و سخن گفتن، خیلی خوب می‌درخشند، اما زندگی عملی و واقعی آن‌ها، با آنچه می‌گویند، خیلی فاصله دارد. چرا چنین است؟ چگونه می‌توان فاصله نظر و عمل را از بین برد؟ در فرهنگ دینی ما، راجع به این موضوع بحث‌های فراوانی انجام شده و احادیث زیادی از پیشوایان دینی در این مورد نقل شده است که فعلاً جای پرداختن به آن‌ها نیست. آنچه در مقاله حاضر می‌خوانید، دیدگاه یک استاد دانشگاه در آمریکاست که او هم به همین نقیصه انسان‌ها اشاره کرده و ضمن تجزیه و تحلیل موضوع، راه‌حلی هشت مرحله‌ای ارائه کرده است. شیوه طرح موضوع و روش آموزشی آن، می‌تواند مورد توجه خوانندگان محترم قرار گیرد.

اندیشه اخلاقی خود را در عمل پیاده کنند.

فاصله بین نظر و عمل، یک نمونه عینی

«من به خود می‌بالم». این جمله‌ای بود که من به ۱۷ نفر از دانشجویان خود در سمیناری که در موضوع مدیریت داشتم، گفتم. به دانشجویان گفتم، من اخیراً از یک سفر کاری در ارتباط با موضوع مدیریت اخلاقی برگشته‌ام و احساس می‌کنم حق‌الزحمه‌ای که به من داده‌اند، کمتر از آن چیزی است که استحقاقش را داشتم. لذا از این که قبول کردم با حق‌الزحمه کم به این سفر بروم، احساس خوبی ندارم. اما موقع پر کردن فرم‌های هزینه‌های سفر، متوجه شدم می‌توانم هزینه‌ها را از دو جادریافت کنم؛ یکی را از همان سازمانی که مرا دعوت کرده بود و دیگری را از دانشگاه خودم. به دانشجویان گفتم، من در طول سفر کار سنگینی را انجام دادم و اگر هزینه‌ها را از دو جایی گرفتم، می‌توانستم خود را راضی کنم که به حق‌الزحمه استحقاقی ام رسیده‌ام.

پس از تعریف این رویداد، منتظر اعتراض جمعی کلاس بودم. آیا دانشجویانی که چند ماه است دارند مباحث مدیریت را می‌خوانند، به من اعتراض می‌کنند که چرا چنین کاری کرده‌ام؟ یا دست کم چند انسان شجاع بین آن‌ها پیدا می‌شود که دست بلند کند و مرا به خاطر این عمل غیر اخلاقی آشکار، مورد انتقاد قرار دهد؟

هر چه صبر کردم و منتظر شدم، هیچ اتفاقی نیفتاد. سپس تصمیم گرفتم به موضوع اصلی در سمپردازم. در طول تدریس، انتظار

آموزش روش استدلال اخلاقی و عمل به ارزش‌های اخلاقی به دانش‌آموزان، همان اندازه مهم است که آموزش سایر دروس به آنان. بسیاری از مسائل و مشکلاتی که مادرمدارس و یادرجهان پیرامون خود با آن‌ها روبه‌رو هستیم، از کمبود دانش و آگاهی ناشی نمی‌شود. همین الان تحقیقات زیادی در دست است که نشان می‌دهد، بحران وثیقه‌های بانکی^۱ که چند سال پیش در آمریکا اتفاق افتاد، ناشی از عمل غیر اخلاقی متولیان برخی بانک‌ها و مؤسسات مالی بود؛ در حالی که این متولیان افرادی باسواد و باهوش بودند.

سؤال این نیست که مردم چه اندازه دانش و آگاهی دارند، بلکه سؤال این است که چه قدر دانش و آگاهی خود را براساس موازین اخلاقی اعمال می‌کنند. برای مثال، بسیاری از رسوایی‌هایی که از عملکرد برخی شرکت‌ها در ایالات متحده علنی می‌شود، در اثر ندانستن یا غفلت نیست، بلکه در اثر فقدان اخلاق است.

آیا برای ما به عنوان متولیان امر تعلیم و تربیت، پذیرفتنی است افرادی را تربیت کنیم که بسیار باهوش و با معلومات باشند، ولی از اخلاق بهره‌ای نبرده باشند؟ آیا آموزش اخلاق برعهده افراد دیگری است؟ من معتقدم که از مسئولیت‌های ماست. اما از آن‌جا که تبدیل دانش اخلاقی به رفتار و عمل اخلاقی، مشکل‌تر از آن است که به نظر می‌رسد، نمی‌توان تنها به آموزش فرمول‌های خشک اخلاقی بسنده کرد. بنابراین، ما باید بکوشیم به دانش‌آموزان روش استدلال اخلاقی در موقعیت‌های گوناگون را بیاموزیم و سپس به آن‌ها یاد دهیم که چگونه

کلید واژه‌ها:
عمل اخلاقی،
ارزش، مسئولیت،
راه حل، آموزش.

■ آیا برای ما
به عنوان متولیان
امر تعلیم و تربیت،
پذیرفتنی است
افرادی را تربیت
کنیم که بسیار
باهوش و با
معلومات باشند، ولی
از اخلاق بهره‌ای
نبرده باشند

داشتیم برخی از دانشجویان دست بلند کنند و از من بخواهند به مسئله دریافت دو برابر هزینه سفر برگردم، اما چنین اتفاقی نیفتاد. آخر سر رک و پوست کنده از کلاس پرسیدم، آیا در رفتار من، چیزی خارج از معیار (دو برابر گرفتن هزینه) به نظر تان نمی‌رسد؟ اگر چنین است، چرا هیچ کدام از شما اعتراض نکردید؟ بعد فکر کردم ممکن است این‌ها خجالت کشیده‌اند. ولی فقط چند نفر از آن‌ها خجالت کشیده بودند. بعضی هم فکر می‌کردند من قصد شوخی و مزاح دارم و بعضی هم فکر می‌کردند نه، چون من استاد هستم، حتماً برای همه کارهایم دلیل منطقی دارم. آن‌چه برای من تکان دهنده بود، این بود که بعضی از دانشجویان عقیده داشتند من به گرفتن این پول محق بوده‌ام و اگر از نظر مقررات به مشکلی نخورده باشم، خوش به حالم شده‌است!

این دانشجویان چند ماه بود که دروس مدیریت را می‌گذراندند، سخنان زیادی درباره اخلاق در مدیریت شنیده و یا خوانده بودند و با این مباحث سروکار داشتند، اما دسته جمعی در تشخیص این مورد غیر اخلاقی مردود شدند و حال آن‌که موضوع بسیار روشن و ملموس بود.

چرا تبدیل نظر به‌های اخلاقی، چنین دشوار است؟ حتی اگر کسی چند ماه متوالی درس مدیریت و اخلاق خوانده باشد؟

یک مدل برای رفتار اخلاقی

مطالعه چگونگی رفتار شاهدان موقعیت‌هایی که به عمل اخلاقی نیاز دارد، می‌تواند پرتوی بر این سؤال‌ها بتابد. دو محقق برای این کار تحقیقاتی را انجام داده و نحوه مداخله این گونه شاهدان را بررسی کرده‌اند. نتایج تحقیق ایشان نشان داده‌است که شاهدان وقتی کسی را می‌بینند که مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرد، فقط در موارد معدودی مداخله می‌کنند. مثلاً اگر فکر کنند شخص دیگری مداخله خواهد کرد، ترجیح می‌دهند خود را از صحنه کنار بکشند. با استفاده از نتایج آن تحقیق، می‌خواهم در این جامدلی را در مورد رفتار اخلاقی ارائه دهم که در انواع مسائل اخلاقی قابل استفاده است.

فرض اساسی این مدل آن است که به عمل در آوردن آموزه‌های اخلاقی که ما از والدین، مدرسه و یا تربیت‌های دینی خود می‌آموزیم، بسیار مشکل‌تر از آن است که ابتدا به نظر می‌رسد.

برای آن‌که افراد بتوانند بر اساس موازین اخلاقی عمل کنند، باید چند گام را طی کنند. بدون طی این گام‌ها، بعید است افراد بتوانند طبق موازین اخلاقی رفتار کنند، اگر چه از نظر هوش و ذکاوت و یا اطلاعات اخلاقی، در سطح بالایی باشند. در این جا خواهیم دید که این گام‌ها چگونه در مورد دانشجویان من درباره داستان دو برابر دریافت کردن هزینه‌های سفر قابل اعمال است، و یا در مورد رفتار دانش آموزان ابتدایی یا متوسطه که شاهد ظلمی در حق یکی از هم‌کلاسان خود هستند. اکنون به شرح یکایک گام‌هایم پردازم.

گام اول: موقعیتی را که باید به آن عکس‌العمل نشان داد، تشخیص دهید

از نظر تعدادی از دانشجویان من، موضوع دو برابر گرفتن هزینه، چیز مهمی تلقی نمی‌شد. آن‌ها در کلاسی نشسته بودند که من استاد آن بودم و داشتم حادثه‌ای را که برابرم رخ داده بود، تعریف می‌کردم. آن‌ها دلیلی نداشتند که فکر کنند باید راجع به کار من عکس‌العملی انجام دهند، جز این‌که از گفته‌های من یادداشت بردارند!

به همین ترتیب، دانش آموزی را تصور کنید که شاهد صحنه‌ای

است که ظاهر آشنان می‌دهد یک نفر به یکی از دوستانش اذیت و آزار می‌رساند. آیا دانش آموز به راحتی می‌تواند یقین کند که دوستش مورد آزار قرار گرفته‌است؟ اغلب اوقات، موضوع کاملاً روشن نیست و لذا افراد بدون هیچ عکس‌العملی، از کنار آن می‌گذرند.

گام دوم: هر موقعیت را از بعد اخلاقی آن ببینید

در بحث کلاسی، روشن شد که عده‌ای از دانشجویان مسئله را از بعد اخلاقی نمی‌دیدند، بلکه از بعد انتفاعی به آن نگاه می‌کردند؛ یعنی من کار سختی را انجام داده بودم، کمتر از استحقاق پول گرفته بودم، موقعیتی برایم پیش آمده بود که هوشمندانه از آن استفاده کنم و به حق خود برسم.

در مورد دانش آموزی که مورد آزار قرار گرفته بود، فرض کنید دوستش قبول داشت که او واقعاً مورد آزار قرار گرفته‌است. اما هنوز مطمئن نبود که آیا این یک موقعیت اخلاقی است یا نه. آیا واقعاً آزار و اذیت همین است؟ شاید این فقط یک مزاحمت است، شاید فقط یک تهدید است؟ اما زندگی ما پر است از این نوع موقعیت‌ها. ما چگونه می‌توانیم تصدیق کنیم که این‌ها مسائل «اخلاقی» هستند یا نه؟ گاهی اوقات تشخیص جنبه‌های اخلاقی یک رویداد کار دشواری است، زیرا نیروهای قدرتمندی سعی دارند آن را بیوشانند. برای مثال، در سال ۲۰۰۸ دولت چین آشکارا تلاش کرد رسانه‌های عمومی را وادار کند که ابعاد اخلاقی حادثه‌ای طبیعی را کم‌رنگ جلوه دهند. در ماه می آن سال، زلزله شدیدی در استان سیچوان حدود ۱۰۰۰۰ دانش آموز را کشت. مداری که متعلق به فرزندان اعضای حزب حاکم بودند، همانند ساختمان‌های دولتی، توانستند در برابر زلزله مقاومت کنند و مسئله‌ای نداشتند. در مقابل، مداری که به محلات فقیرنشین تعلق داشتند، با خاک یکسان شدند. احتمالاً بودجه‌ای که برای ساخت مدارس دولتی آن محلات در نظر گرفته شده بود، به جیب و ابستگان حزب حاکم رفته بود. دولت چین تا آن‌جا که می‌توانست تلاش کرد بر این واقعیت هاسر پوش گذاشته شود.

گام سوم: باور کنید که بعد اخلاقی قضیه مهم است

بعضی از دانشجویان کلاس مدیریت من احساس کرده بودند دو بار هزینه گرفتن فرضی من، چیز قابل توجهی نبوده و آن قدر اهمیت نداشته‌است که در مورد آن هیاهو شود. ای بسا خود آن‌ها گاهی اوقات چیزی را که متعلق به آن‌ها نبوده‌است، برداشته بودند؛ از قبیل روزنامه یا پولی که روی زمین افتاده بوده‌است. لذا کار مرا چندان مهم نمی‌پنداشتند.

به همین ترتیب، همیشه روشن نیست که یک صحنه اذیت و آزار تا چه حد مهم و قابل توجه است. یک صحنه زور گویی چه قدر باید بد باشد تا یک نفر به آن اهمیت دهد؟ رفتار ناشایست کدام مرزها را باید در نوردد تا یک نفر تکانی بخورد؟ مسلماً دانش آموزانی که کراراً شاهد اذیت و آزار آن هم‌کلاسان در ایالت ماساچوست بودند که خودکشی کرد، کاری نکردند، پیش‌بینی نمی‌کردند که قضیه تا این حد مهم است و چنین تبعاتی خواهد داشت.

گام چهارم: مسئولیت ارائه یک راه حل اخلاقی را بپذیرید

شاید دانشجویان من تصور می‌کردند مسئولیتی یاحتی حقی ندارند که به استادشان بگویند چه باید می‌کرد. از دید آن‌ها، خود من مسئولیت داشتم. ابعاد اخلاقی قضیه را در نظر بگیرم. اگر دانش آموزی ببیند که دانش آموز دیگری مورد اذیت

همیشه روشن

نیست که یک

صحنه اذیت آزار تا

چه حد مهم و قابل

توجه است. یک

صحنه زور گویی

چه قدر باید بد

باشد تا یک نفر

به آن اهمیت دهد؟

رفتار ناشایست

کدام مرزها را باید

در نوردد تا یک نفر

تکانی بخورد



عظیم محمودزاده شیرازی
(۱۳۴۸)

معلم، نویسنده و پژوهشگر، خوزستان

عظیم محمودزاده متولد دزفول و دانش‌آموخته رشته روان‌شناسی است و اکنون در سمت معاون آموزشگاه در دزفول به کار اشتغال دارد. زمینه علاقه‌مندی وی، به جز روان‌شناسی - که خود پژوهشگر نمونه این رشته در سال ۸۷-۸۶ شد - ادبیات، شعر، داستان و نویسندگی برای رادیو است. محمودزاده عضو انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، عضو انجمن روان‌شناسی کشور و عضو انجمن طب سنتی کشور است. او آثار متعددی تألیف کرده‌است که از جمله عبارت‌است از: «زبان رمزی طبیعت»، «تفسیر حجم سبز سهراب سپهری»، «چند مجموعه داستان زندگی در پیله بچه‌های مدرسه‌ظهر، آدم‌آبی»، «چند کتاب درباره فرهنگ دزفول (غناهای محلی، بازی‌های محلی، تاریخچه آموزش و پرورش، فرهنگ محلی و...)»، «راز سلامتی با طب سنتی».

■ **گاردنر با این سؤال خیلی کلنجار رفته است که: آیا در انسان چیزی به نام هوش اخلاقی وجود دارد که او را در دوراهی های زندگی راهنمایی کند؟ رابرت کول از جمله کسانی است که عقیده دارد نوعی هوش اخلاقی در کودکان و بزرگسالان وجود دارد که از فردی به فرد دیگر متفاوت است**



قراری می گیرد، آیا مسئولیت دارد کاری انجام دهد؟ یا باید فکر کند که سایر دانش آموزان باید کاری کنند؟ یا این که فکر کند دخالت در این امور، کار بزرگ ترهاست؟ براساس نتایج تحقیق آن دو محقق که قبلاً اشاره شد، معلوم شده بود که هر اندازه تماشاچیان رویدادی زورگو یا نه بیشتر می شود، تعداد دخالت کنندگان کمتر می شود. چرا؟ برای این که هر کسی فکر می کند اگر واقعاً چیز بدی اتفاق افتاده باشد، شخص دیگری که او هم شاهد قضیه بود، دخالت می کند. به این ترتیب، شما باید رانندگی در جاده ای پرت و خلوت را بر رانندگی در یک بزرگراه ترجیح دهید، زیرا اگر وسیله نقلیه شما نقصی پیدا کند، راننده ای که از آن جاده خلوت می گذرد، فکر می کند تنها امید شما به اوست و به کمک شما می شتابد.

گام پنجم: فکر کنید کدام فرمول های نظری اخلاقی را می توان در موقعیت به کار برد

شاید بعضی از دانشجویان مسئله ای را که من برایشان ایجاد کرده بودم، به عنوان امری اخلاقی تشخیص داده بودند، اما متوجه نبودند آن رفتار غیر اخلاقی که واقعاً اتفاق افتاده، چه بوده است. شاید آن ها هیچ تصویری از دو بار هزینه گرفتن در ذهن نداشتند. حتی اگر هم داشتند، ممکن بود فکر کنند گاهی اوقات دو بار هزینه گرفتن امری کاملاً اخلاقی است، یا ممکن است فکر کرده بودند بخشی از هزینه های مرا دانشگاه پرداخته و بخش دیگر را مؤسسه ای که دعوت کرده است و من خوب موضوع را بیان نکرده ام. در مورد اذیت و آزار دانش آموز، ممکن است سایر دانش آموزان نتوانند تشخیص دهند کدام آموزه اخلاقی را باید به کار ببرند. ما مسئولیت داریم به دیگران آزار نرسانیم، اما آیا در قبال جلوگیری از آزار رساندن دیگران هم مسئولیت داریم؟ کدام فرمول به ما می گوید که باید مداخله کنیم؟

گام ششم: سعی کنید بفهمید در این موقعیت چگونه می توان فرمول های نظری و اخلاقی را به راه حل های عینی و عملی تبدیل کرد

شاید دانشجویان من فرمول های اخلاقی را که به مسئله دو بار هزینه گرفتن مربوط بود، می دانستند، اما شیوه به کارگیری آن ها را نمی دانستند. برای مثال، فرض کنید آن ها می دانستند: کسی نباید در

مقابل کاری که نکرده است، متوقع چیزی باشد. خوب، در آن موقعیت من کاری انجام داده بودم و تنها حق الزحمه ای را که متناسب با کارم بود، دریافت می کردم. در نهایت ممکن بود آن ها در تبدیل فرمول های نظری اخلاقی به رفتارهای عینی، دچار مشکل باشند.

در مورد آزار رسانی به دانش آموز، یک هم کلاسی ممکن است معتقد باشد به این که نباید اجازه داد کسی دیگری را بیازارد. اما در موقعیت واقعی، او باید چه کند؟ با اذیت و آزار مقابله کند؟ از قربانی بخواهد که از صحنه دور شود؟ آزار دهنده و قربانی را از هم جدا کند؟ به معلم خبر دهد؟ راه های متفاوتی برای توقف اذیت و آزار وجود دارد؛ اما غالباً در لحظه حادثه روشن نیست کدام یک بهترین است.

گام هفتم: خود را برای پذیرفتن تبعات انجام یک عمل اخلاقی آماده کنید

شاید دانشجویان کلاس من، مرابی اندازه غیر اخلاقی می دیدند، اما حاضر نبودند با من در بیفتند، زیرا نگران بودند نمره آن ها را کم کنم. کسی که شاهد یک صحنه اذیت و آزار است، باید خود را آماده خطر کند. دانش آموزی که در برابر آزار و اذیت دیگران می ایستد، خود را در معرض خطر قرار می دهد. او ممکن است مورد اذیت و آزار قرار گیرد یا منزوی شود یا در نظر دیگران احمق جلوه کند.

گام هشتم: راه حل اخلاقی را اجرا کنید

به اجرا در آوردن فعل اخلاقی، کلیدی ترین و مشکل ترین بخش آن است. فرض کنید شما در کلاسی نشسته اید و می شنوید که معلم کلاس به کارهایی می نازد که از نظر شما غیر اخلاقی هستند. به اطرافتان نگاه می کنید و می بینید هیچ کس دم نمی زند. حتی می توان گفت هیچ کس ناراحت هم نمی شود. در این جام ممکن است فکر کنید شما خارج از خط هستید!

در ماجرای آزار و اذیت دانش آموز، هم کلاسی او ممکن است بفهمد که باید چه کند، اما عملاً نمی تواند آن کار را انجام دهد. ممکن است از صحنه دور شود، یا فکر کند در سر انتقام جویی احتمالی طرف مقابل ارزش دخالت در مسئله را ندارد و لذا هیچ عملی را انجام ندهد.

شکست در تبدیل فکر به عمل

فرق بین آنان که رفتار اخلاقی انجام می دهند با آنان که انجام نمی دهند، چیست؟ گاردنر با این سؤال خیلی کلنجار رفته است که: آیا در انسان چیزی به نام هوش اخلاقی وجود دارد که او را در دوراهی های زندگی راهنمایی کند؟ رابرت کول از جمله کسانی است که عقیده دارد نوعی هوش اخلاقی در کودکان و بزرگسالان وجود دارد که از فردی به فرد دیگر متفاوت است. کلبرگ معتقد است، استدلال اخلاقی مرحله ای دارد و کودک به موازات رشد جسمی، از این مراحل نیز می گذرد، اما عده ای تندتر و عده ای کندتر.

من معتقدم قابلیت اخلاقی، نوعی ویژگی ذاتی در افراد نیست، بلکه چیزی است که ما می توانیم تقریباً در همه کودکان آن را پرورش دهیم. گرچه افراد ممکن است از نظر درک اخلاقی متفاوت باشند، اما ما می توانیم به کودکان و نیز بزرگسالان چگونگی فکر کردن و عمل کردن اخلاقی را آموزش دهیم. آن ها ممکن است در زندگی واقعی خود آگاهانه از گام هایی که به رفتار اخلاقی منجر می شود، تبعیت نکنند، اما دانستن فرایند، آن ها را قادر می سازد که اندیشه اخلاقی را به عمل اخلاقی تبدیل کنند.

به صورت خودکار، چنین تبدیلی (فکر به عمل) صورت نمی گیرد.



محمد عارف بهرامی معلم نمونه استانی ۹۰ سیستان و بلوچستان

محمد عارف بهرامی، مدیر دبیرستان نمونه شهستان سپاهان است و کی در سال ۹۰ معلم نمونه استانی شد. در سال های ۸۹ و ۹۰ نیز در شهرستان به عنوان معلم نمونه انتخاب شده بود. این معلم موفق که مدرک کارشناسی امور تربیتی دارد، در فعالیتهای نمایشی نیز فعال است و به همین دلیل در سال ۸۱ رتبه برتر فنی ترین مربی نمایش را در استان کسب کرد. محمد عارف بهرامی در زمینه های گوناگونی فعال است که از آن جمله باید به این موارد اشاره کرد: مجری طرح جهاد علمی، مجری مسابقات علمی کاربردی رشته کار دانش، همکاری با جشنواره خوارزمی و مشاوره دادن به دانش آموزان در امر انتخاب رشته.



عمل غیر اخلاقی است؟

— آیا برای زیست‌شناسان، تولید میکروب‌های جدید بیماری‌زا کاری غیر اخلاقی است؟

— آیا برای دولت‌ها، اعدام مجرمان، عملی غیر اخلاقی است؟

— چه وقت بعد اخلاقی یک رویداد مهم است؟

— دانش‌آموزان چه وقت باید تقلب کردن دانش‌آموز دیگری را گزارش دهند؟

— به‌طور کلی، وقایعی که در یک کشور رخ می‌دهد، چه قدر باید مصیبت‌بار باشد تا سایر کشورها مجبور به دخالت شوند؟ مثلاً آیا دنیا نباید رفتارهای هیتلر را زودتر مورد توجه قرار می‌داد و با آن مقابله می‌کرد؟

— اگر متولیان امور یک شهر متوجه شوند که کودکی از سوی پدر و مادر خود آزار می‌بیند، آیا باید کودک را از پدر و مادر جدا کنند؟

— چه وقت شخص مسئولیت دارد که برای مسئله، راه‌حلی اخلاقی ارائه کند؟

— تحت چه شرایطی یک سرباز باید از اطاعت فرمان سرپیچی کند؟

— آیا موقعیتی وجود دارد که در آن، کودک مجاز باشد از پدر و مادر خود اطاعت نکند؟

— آیا اگر دانش‌آموزی بداند که یکی از دوستان او از مواد مخدر استفاده می‌کند، مسئولیتی دارد که در مقابل او کاری کند؟

شما چگونه متقاعد می‌شوید که اخلاقی عمل کردن در یک موقعیت، به تبعات منفی آن می‌ارزد؟

اخلاقی عمل کردن ممکن است گاهی تبعات منفی جدی داشته باشد. سختی اخلاقی عمل کردن را در موارد زیر مورد توجه قرار دهید:

— در جریان رسوایی کمپانی «انرون»، وقتی یکی از کارمندان به نام شرون، برخی رفتارهای غیر اخلاقی را افشا کرد، تنبیه و منقور واقع شد.

— در آلمان هیتلری، کسانی که تلاش می‌کردند یهودیان را از بازداشتگاه‌های اسرانجات دهند، خود در معرض کشته شدن بودند.

درس‌هایی برای زندگی

ما وقت زیادی را صرف تدریس به دانش‌آموزان می‌کنیم تا آن‌ها بتوانند در امتحانات موفق شوند. اما آیا چه مقدار صرف آموزش گام‌های استدلال اخلاقی می‌کنیم تا آن‌ها در زندگی موفق شوند؟ چه تعداد از اقتضاحاتی که نسل کنونی به‌بار می‌آورد، قابل اجتناب بود اگر به آن‌ها یاد داده می‌شد که چه‌طور اخلاقی استدلال کنند و چه‌طور آن را به کار بندند؟

آن‌هایی که پس‌انداز یا خانه خود را در جریان تجارت غیر اخلاقی عده‌ای، از دست دادند، خوب می‌فهمند که چه قدر این مسئله مهم است. آن‌هایی که سرنوشت دردناک آن دانش‌آموزی را می‌خوانند که در اثر آزار و اذیت خودکشی کرد، می‌فهمند که این تنها مورد نبوده و یکی از صدها نمونه است. این مشکلات قابل حل اند، فقط اگر ما بخوایم

پی‌نوشت

۱. برخی بانک‌ها از برگرداندن وثیقه وام‌گیرنده‌ها خودداری می‌کردند و یا به علت عدم پرداخت اقساط، ملک آن‌ها را به قیمت ارزان به فروش می‌رسانند.

منبع

1. Educational Leadership

دو تن از محققان روان‌شناسی به نام‌های استرنبرگ و گریگور نکو، در سال ۲۰۰۰ اظهار کردند که ما در مطالعات خود روی هوش عملی، ارتباط کمی بین جنبه‌های نظری هوش و جنبه‌های عملی آن یافتیم. بسیاری از مردم ممکن است در کلاس درس خوش بدرخشند، اما در زندگی واقعی نتوانند رفتارهای مناسب از خود نشان دهند. برای مثال، فردی ممکن است در امتحان آیین نامه رانندگی عالی‌ترین امتیاز را بگیرد، ولی قادر به رانندگی نباشد. یا ممکن است کسی در کلاس زبان فرانسه نمره عالی بگیرد، ولی نتواند با یک رهگذر در پاریس چند کلمه صحبت کند. تبدیل نظر به عمل کار دشواری است. بسیاری از مردم از نظر دانستن فرمول‌های اخلاقی مشکلی ندارند، اما قادر به عملی کردن آن‌ها نیستند.

تدریس استدلال و عمل اخلاقی

پنج قاعده اساسی برای مربیان وجود دارد که می‌توانند به کمک آن‌ها استدلال اخلاقی را در برنامه‌های درسی مدارس بگنجانند.

۱. **تدریس آمیخته:** منظور از تدریس استدلال اخلاقی، دایر کردن یک کلاس درس اخلاق جداگانه نیست؛ زیرا خطر این کار این است که دانشجویان بین مفاهیم درس اخلاق و مفاهیم سایر دروس و نیز زندگی واقعی خود، فاصله بینا‌زند و در نهایت چیزهایی را یاد بگیرند که هرگز به کار نمی‌برند.

۲. **تدریس فعال:** دانش‌آموزان وقتی عملاً در موقعیت‌های تصمیم‌گیری اخلاقی قرار گیرند، بهتر می‌آموزند تا این که درباره تصمیمات اخلاقی دیگران مطلب بخوانند. دانش‌آموزان باید گام‌هایی را که ذکر شد، عملاً طی کنند، نه این که فقط آن‌ها را بشنوند.

۳. **ارائه مثال‌های عینی:** دانش‌آموزان نیاز دارند اجرای قواعد اخلاقی را در مثال‌های عینی و ملموس ببینند، نه این که فقط قواعد را یاد بگیرند.

۴. **شخصاً عمل کردن:** دانش‌آموزان نیاز دارند که قواعد اخلاقی را در مسائل زندگی خودشان پیاده کنند، نه این که داستان دیگران را بشنوند.

۵. **بحث‌های نقادانه:** بهترین راه آموزش استدلال اخلاقی، از طریق گفت‌وگوهای نقادانه در کلاس است و نه فکر کردن انفرادی دانش‌آموزان. به دنبال این گفت‌وگوهای کلاسی، می‌توان از دانش‌آموزان خواست به صورت کتبی یا شفاهی گزارش دهند که چگونه توانسته‌اند آموخته‌های خود را درونی کنند.

در این جا، به ذکر چند مثال از بحث‌های نقادانه اشاره می‌کنیم. معلمان دانش‌آموزان را راهنمایی می‌کنند تا گام‌های ذکر شده در مدل را اجرا کنند. آیا در این جا موقعیتی که باید به آن پرداخته شود، وجود دارد، آیا آن یک موقعیت اخلاقی است؟ آیا لازم است کسی درباره آن احساس مسئولیت کند؟ و به همین ترتیب الی آخر. هدف این است که دانش‌آموزان، هم مسئله و هم راه‌حل‌ها را فرموله کنند.

سؤالاتی برای بحث نقادانه در موضوعات اخلاقی

سؤالات زیر فرصتی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند که بتوانند درباره گام‌های عمل اخلاقی بحث کنند. هدف معلم این نیست که به این سؤالات پاسخ دهد، بلکه باید از دانش‌آموزان بخواهد درباره آن‌ها تأمل کنند و پاسخ‌های خود را ارائه دهند.

— چه وقت رویدادی بعد اخلاقی دارد؟

— آیا برای فیزیک‌دانان، تولید سلاح‌های کشتار جمعی یک

من معتقدم

قابلیت اخلاقی،

نوعی ویژگی

ذاتی در افراد

نیست، بلکه

چیزی است که ما

می‌توانیم تقریباً

در همه کودکان آن را

پرورش دهیم